



## خرید واحد مسکونی در شیراز توسط عمانی‌ها

عمانی‌ها شیراز را خانه دوم خود می‌دانند تا جایی که تعداد قابل توجهی از عمانی‌ها در شیراز ساختمان‌های مسکونی را در مالکیت خود دارند. جمالی رازقی جهرمی، رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و عمان در گفت‌وگو با ایلنا از سیر افزایشی تجارت ایران و عمان در سال‌های اخیر خبر داد و گفت: ارزش تجارت دو کشور در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱، ۶۰ درصد رشد داشت و به حدود ۲ میلیارد دلار رسید، این رقم در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰، ۴۲ درصد رشد داشت و یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار بود. وی در ادامه از تمایل بالای عمانی‌ها به دریافت خدمات درمانی از ایرانی‌ها گفت و توضیح داد: مردم عمان بیش از هر نقطه ایران به شیراز پرواز می‌کنند و برای انواع خدمات درمانی و حتی درمان بیماری‌های ساده به این شهر سفر می‌کنند و شیراز را خانه دوم خود می‌دانند تا جایی که تعداد قابل توجهی از عمانی‌ها در شیراز ساختمان‌های مسکونی را در مالکیت خود دارند.



## تولید ماهانه قارچ به ۲۰ هزار تن رسید

با توجه به عدم تجهیز برخی واحدها به سیستم سرمایشی مناسب، تولید ماهانه قارچ در سطح کشور به ۲۰ هزار تن رسیده است. نیما باغبانی دبیر انجمن پرورش دهندگان قارچ در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان، گفت: طبق روال همساله در فصل تابستان به سبب عدم تجهیز سیستم سرمایشی و بردن مناسب در واحدهای تولیدی، تولید قارچ ۳۰ تا ۳۵ درصد کاهش یافته است. او از توزیع روزانه ۶۰۰ تا ۶۵۰ تن قارچ در سطح کشور خبر داد و گفت: در مهرماه با خنک شدن هوا، تولید به شرایط نرمال بازمی‌گردد به طوری که میزان عرضه روزانه قارچ به ۹۰۰ تا ۹۵۰ تن می‌رسد. باغبانی نرخ کنونی هر کیلو قارچ درب مرز را ۱۰۰ تا ۱۰۵ هزار تومان و واحدهای صنعتی ۱۲۰ تا ۱۳۰ هزار تومان اعلام کرد. دبیر انجمن پرورش دهندگان قارچ درباره آخرین وضعیت صادرات قارچ افزود: اکنون صادرات قارچ به کشورهای حوزه خلیج فارس انجام می‌شود و همواره به دلیل نوسانات شدید نرخ ارز، صادرات طبق روال گذشته کاهش یا افزایش نداشته است.



## عبور از شرایط سخت با نوآوری

اقتصاد ایران برای عبور از شرایط سخت امروز نیازمند نوآوری و استفاده از سرمایه‌های انسانی است و بدون پیموند این مسیر، نمی‌توان وضعیت فعلی خارج شد. قدیر قیافه، نائب رئیس اتاق ایران در این نشست، گفت: عبور از شرایط سخت امروز اقتصاد کشور، فقط با نوآوری و استفاده از سرمایه‌های انسانی ایران میسر خواهد بود و به همین اندازه، ناسرمایه‌های کشور و کسانی که خود را بر خلاف واقع، سرمایه انسانی‌شان می‌دهند، می‌توانند تمدن و اقتصاد کشور را زمین بزنند. او ادامه داد: ایران امروز وضع بسیار نامناسبی در تولید ناخالص داخلی دارد. براساس آمار ارائه شده از سوی کشور به بانک جهانی، تولید ناخالص داخلی ایران حدود ۴۱۳ میلیارد دلار اما در واقعیت بیشتر از ۲۷۰ میلیارد دلار نیست. این در حالی است که یک کشور جعلی و غیرقانونی در دنیا، ۵۳۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی دارد. لذا ما برای عبور از این شرایط راهی جز نوآوری و ابتکار و استفاده از سرمایه انسانی خود نداریم.

## محمدحسین معماریان کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با هم‌میهن توضیح می‌دهد

# سه عامل انحراف منابع هدفمندی

بنزین و گازوئیل نداده بود و اتفاقاً مقداری هم حاصل از صادرات فرآورده، لحاظ می‌شد. به همین دلیل هم زمانی که مجبور به واردات شدیم هم آن منابع محقق نشد و هم اینکه مجبور شدیم از نفت کوره بدهیم تا بنزین وارد کنیم. پس منابع هدفمندی به شدت با مخاطره روبه‌رو شد و گندم هم هزینه‌های خود را داشت و بقیه هزینه‌های هدفمندی هم هزینه‌هایی هستند که کاملاً از جنس اجتناب‌ناپذیر هستند. این مسئله بسیار مهم است که هدفمندی تقریباً هیچ هزینه اجتناب‌پذیری ندارد. هزینه‌ها عبارت از هزینه‌هایی از قبیل دارو و گندم هستند که باید حتماً پرداخت شوند.

از آنجایی که منابع بسیار کم بود و هزینه‌ها بسیار زیاد محاسبه می‌شد، پرداختی به شرکت‌ها، یعنی سهم شرکت‌های نفتی و گاز که از فروش داخل بود را به سمت صفر بود و به شرکت‌ها فشار زیادی آمد. از آن سوی دیگر از هر محلی که فکر کنید تلاش کرد درآمدزایی کند، بخش بسیار خوبی از این منابع درآمدی از محل تسهیلات نظام بانکی برای گندم بود.

بخشی از آن هم از بانک مرکزی دریافت می‌شد. در سال‌های اخیر و در شش یا هفت سال گذشته همیشه برای تامین هزینه‌های گندم، نصف هزینه‌ها از سوی هدفمندی و نصف دیگر در نظام بانکی تامین می‌شد. همیشه هم اجازه داده می‌شد که بانک تامین‌کننده از بانک مرکزی خط اعتباری دریافت کند که این مسئله هم بسیار هزینه‌زا و تورم‌زا است. جنگ اوکراین و روسیه هم قیمت گندم را بیشتر افزایش داد و ناترازی گندم بیشتر شد. اینکه این گزارش نشان می‌دهد بانک مرکزی منابعی برای هدفمندی اختصاص داده است جدید نیست.

### ۴ در بخش دریافت تنخواه از بودجه عمومی نیز

با معضل جدیدی روبه‌رو نیستیم؟  
اتفاقاً آنچه جدید است آن بخش است که از بودجه عمومی تنخواه دریافت کرده است. پیش از این از هدفمندی به بودجه عمومی تنخواه داده می‌شد. اکنون برعکس شده است و متاسفانه هدفمندی لازم دارد که از بودجه عمومی تنخواه دریافت کند.

### ۴ انحراف مالی مذکور بیشتر ناشی از مشکلات

ساختاری است یا تصمیم‌های غلطی که توضیح

دادید سبب بروز آن شد؟

انحراف مالی مذکور هم سابقه‌دار و هم ساختاری است؛ یعنی بخش اول به دلیل اقداماتی است که دولت در سال ۱۴۰۱ انجام داد و بخش دیگری از آن هم به دلیل یارانه‌هایی است که دولت پرداخت می‌کند. اکنون کشور در حال واردات بنزین و گاز است. در سال ۱۴۰۰ حدود ۹ میلیارد دلار صادرات خالص فرآورده داشته‌ایم و به همین دلیل هدفمندی نیز مثبت بوده است اما در سال ۱۴۰۲ این مقدار به ۴٫۵ میلیارد دلار کاهش یافت.

دلیل هم این است که قیمت بنزین ثابت بوده است و هیچ سیاست جدی در راستای بهینه‌سازی مصرف بنزین وجود نداشته و بنزین منفی شده است. هدفمندی هم ناتراز شده است. مسئله دیگر هم این است که گندم هم هر سال هزینه بیشتری برای هدفمندی دارد. اگر قرار است دولت یارانه پرداخت کند، این کار را انجام دهد اما باید آگاه باشد که فشار این عمل بر هدفمندی محسوس است. به همین دلیل انحراف مالی، دلایل ریشه‌ای و روشن دارد؛ بخشی از دلایل به دلیل اتفاقاتی است که در سال ۱۴۰۰ و بعد از حذف ارز ترجیحی رخ داد و هدفمندی را دچار مشکل کرد. با وجود اینکه حذف ارز ترجیحی برای بودجه منافی داشت اما در بخش هدفمندی بخش را دچار مشکلاتی کرد. ریشه دیگری هم ناترازی حامل‌های انرژی است. از آنجایی که خود این حامل‌ها چهار ناترازی هستند از یکسو مجبور به واردات هستیم و از سوی دیگر هم به دلیل همین ناترازی‌ها دیگر حامل‌های انرژی مختلف را تامین نمی‌کنند. مشکل سوم هم یارانه گندم است که عامل بسیار مهمی است.

محمدحسین معماریان، کارشناس و پژوهشگر اقتصاد و بودجه سه عامل اصلی را برای انحراف منابع بودجه برمی‌شمارد. به گفته او، ناترازی انرژی، حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و گندم سه عامل اصلی محقق نشدن منابع هدفمندی هستند. با وجود اینکه حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی به دلیل کاهش فاصله میان نرخ دلار آزاد با نرخ دلار دولتی منجر شد که فشار محتمل شده بر بازار کاهش یابد اما در نهایت تأثیری سوء بر بخش هدفمندی داشت.

### ۴ به نظر شما انحراف در تامین مالی منابع هدفمندی‌سازی یارانه‌ها و استقراض از منابع خزانه‌داری و بانک مرکزی از کجا نشأت می‌گیرد؟

این مسئله مقدار زیادی تاریخی است؛ تا سال ۱۴۰۰ منابع هدفمندی وضعیت خوبی داشت. قرار نیست به قانون هدفمندی بازگردم اما منابع از محل صادرات فرآورده‌های نفتی فروش فرآورده‌های نفتی و گاز تامین می‌شد و برای پرداخت یارانه‌ها، از این محل هزینه می‌شد. سال ۱۴۰۱ ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومان حذف شد. بعد از حذف این ارز منابع نفت و بودجه زیاد شد و منابع تقویت شد. در آن سوی ماجرا هم دولت تصمیم گرفت که با رقم‌هایی مانند ۳۰۰ هزار تومان و ۴۰۰ هزار تومان یارانه پرداخت کند. این رقم یارانه به اندازه همان منابع نفتی بود که افزایش یافته بود. یعنی تمام منابع حاصل از آزادسازی و تعدیل نرخ ارز به یارانه پرداخت شد. با این اوصاف نباید تراز بودجه تغییر می‌کرد اما سازمان برنامه تصمیم گرفت منابع را در بودجه عمومی نگاه دارد و مصارف را به هدفمندی منتقل کند. از آنجایی که بین این دو هم ارتباط معناداری در ردیف بودجه نیست، هدفمندی یارانه‌ها که در سال ۱۴۰۰ مازاد داشت متحمل کسری جدی شد. دلیل آن هم این است که سیاست‌گذار یک مصرف جدی را به این ردیف اضافه کرده بود در حالی که منبع آن در بودجه عمومی بود. نکته مثبت این رخداد آن بود که تا حد زیادی کسری در بودجه عمومی را کاهش داد.

### ۴ و نکته منفی چه بود؟

معمولاً هدفمندی منابع مازاد زیادی دارد به همین دلیل وقتی از دولت به مجلس می‌رفت، مجلس در آن تغییر ایجاد می‌کرد. دولت قصد داشت منابع مازاد را از بین ببرد تا هدفمندی سر به سر انجام شود و منابع مازاد نداشته باشد البته به هدفمندی از محل فروش گاز به صنایع کمک کرد که مخارج خود را تامین کند. اما به طور کلی از سال ۱۴۰۰ به بعد این تغییر منجر شد که هدفمندی یارانه‌ها از مازاد مثبت به مازاد منفی تبدیل شود.

همزمان با این تحلیل نباید چند نکته را از نظر دور داشت. اول اینکه مصرف داخلی فرآورده‌های نفتی به دلیل ثبات قیمت فزاینده است. هر ساله مصرف بنزین و گازوئیل به شدت افزایش می‌یابد؛ به گونه‌ای که سال گذشته، دولت مجبور شد برای جبران ناترازی دست به واردات بزند.

از سوی دیگر قیمت نان و آرد توسط دولت سرکوب می‌شد و همین مسئله سبب می‌شد که یارانه گندم که بخش زیادی از آن در محل هدفمندی تامین می‌شود، فزاینده باشد. در سال ۱۴۰۰ دولت برای تامین منابع و مصارف هدفمندی به مشکل برخورد و در سال ۱۴۰۲ این مشکل تشدید شد چراکه کشور مجبور به واردات فرآورده گران‌قیمت نفتی بود. از سوی دیگر گندم و آرد هم به این مخارج اضافه شد. همه این چیزی که اکنون مشاهده می‌شود حاصل ناترازی ساختاری هدفمندی است.

### ۴ این ناترازی ساختاری در چه فرآیندی این چنین شدت گرفت؟

از ابتدای سال ۱۴۰۲، گزارش‌های رسمی نشان می‌داد که کشور تا آخر سال دچار مشکلات جدی در زمینه‌های مختلف می‌شود. یکی از عمده‌ترین دلایل هم این است که کشور پولی برای واردات



داشته باشیم و پایه‌های مالیاتی گسترش یابند و این منابع به شکل بهینه در کشور استفاده شود، مردم هم دیگر اعتراضی به پرداخت مالیات‌ها نخواهند داشت. زیرمردم خودشان می‌بینند که خدماتی که دریافت می‌کنند در زمینه‌های بهداشت و درمان، آموزش و حمل و نقل ارتقاء یافته است. اگر ببینند رفاه آنان افزایش یافته است و همه افراد به نسبت درآمد و سود خود مالیات پرداخت می‌کنند، خودشان هم مالیات‌پرداخت می‌کنند.

### ۴ مسئله درآمد‌های نفتی، نفرین منابع و بیماری هلندی چه؟

این دو مسئله نیز در اقتصاد کشور ما وجود دارند. نفرین منابع و بیماری هلندی دو مسئله تاریخی در کشور هستند. بالاخره یک حقیقت وجود دارد و آن هم اینکه کشور موفق نشده که زنجیره‌های پایین‌دست خود را توسعه دهد. صنایع مختلف مانند صنایع پتروشیمی باید توسعه می‌یافتند تا ایران هم پیشرفت کند. راهکارهای رفع این مسئله نیز راهکارهای کوتاه‌مدت نیستند و حتماً نیاز به زمان و برنامه‌ریزی دارد. به جز این شرایط باید به قدری با ثبات باشد که سرمایه‌گذاری‌های داخلی، ارتقا یابد و تولیدمحوری سرلوحه کاری قرار بگیرد. همچنین لازم است که سرمایه‌گذاران خارجی نیز اقدام به سرمایه‌گذاری در کشور کنند که تحریم‌ها مانعی جدی بر سر راه سرمایه‌گذاری و ورود آن به ایران است.

### ۴ به نظر شما این عدم شفافیت و بی‌انضباطی مالی که در بودجه هر ساله، قابل مشاهده است، چه آثار کلان اقتصادی برای ایران دارد؟

در هر صورت بودجه‌ای که در ایران تهیه می‌شود، بودجه کارآمد نیست. این بودجه بیشتر محلی برای توزیع رانت شده است. در واقع به نظر می‌رسد که انگار رانت به اعداد و ارقام تبدیل می‌شود تا بین گروه‌های مختلف توزیع شود. آن هم بدون اینکه کارایی این نهادها در نظر گرفته شود. زمانی که مبدأ توزیع منابع در ایران، عملکرد نباشد و هر سال بودجه‌ای افزایشی تدوین کنیم، نمی‌توانیم شاهد رشد و توسعه اقتصادی باشیم. نابرابری‌ها هر سال تشدید می‌شود زیرا بر خوردارانی وجود دارند که به دلیل قدرت چانه‌زنی خود هر سال منابع بیشتری را دریافت می‌کنند و جاماندگانی هم هستند که هر روز بیشتر زیان‌ده می‌شوند. بودجه باید به سمت یک نوع بودجه‌ریزی عملیاتی واقعی مبتنی بر عملکرد برود تا متوجه شویم مبنای دریافت بودجه چیست و چرا برخی از نهادها بودجه زیادی دریافت می‌کنند. اگر پرداخت‌ها بر اساس بهره‌وری باشد دیگر بودجه شبیه به یک شعار رانت‌زده نیست. امیدواریم با خرد جمعی که در دولت جدید وجود دارد، شاهد این رخدادها نباشیم.